

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، مکاشفه

درس شماره ۳۸

پرستش آسمانی! (۲)

مکاشفه ۴: ۱-۱۱

آیه حفظی برای ۲۴ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۶

کتاب مقدس، مکاشفه ۴: ۱۱

"ای خداوند، مستحق که جلال و اکرام و قوت را بیابی، زیرا که تو همه موجودات را
آفریده ای

و محض اراده تو بودند و آفریده شدند."

آیه حفظی برای ۱ ماه اکتبر سال ۲۰۲۶

کتاب مقدس، اشعیا ۴: ۳

۳ و یکی دیگری را صدا زده، می گفت: «قدّوس قدّوس یهوه صباپوت، تمامی
زمین از جلال او مملو است.»

با فیض خدا، بخش جدیدی از مطالعاتمان را از کتاب مکاشفه شروع کردیم. مکاشفه **فصلهای ۴ و ۵** که در آنها با پرستش در عرش خدا روبرو می شویم.

چرا این دو فصل در اینجا در کتاب مکاشفه هستند؟ تا به ما یاد آوری کنند که علی رغم دوران مصیبت بر زمین، خدای ما بر ما تخت سلطنت خود با اقتدار نشسته، و علی رغم آنچه بر زمین می گذرد، خدای ما پیروز است و در نهایت کلیسای او نیز پیروز خواهد بود. یوحنا رسول ما را با خودش به عرش خدا می برد.

در ابتدا، کلام خدا را بشنوید. **مکاشفه ۴: ۱-۱۱.**

کلام خدا: ۱ بعد از این دیدم که ناگاه دروازه های در آسمان باز شده است و آن آواز اوّل را که شنیده بودم که چون کرّنا با من سخن می گفت، دیگر باره می گوید، به اینجا صعود نما تا اموری را که بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم.

۲ فی الفور در روح شدم و دیدم که تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده ای.

۳ و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و قوس قزحی در گرد تخت که به منظر شباهت به زمرد دارد

۴ و گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت است؛ و بر آن تختها بیست و چهار پیر که جامه‌ای سفید در بر دارند نشسته دیدم و بر سر ایشان تاجهای زرین.

۵ و از تخت، برقها و صداها و رعداها برمی‌آید؛ و هفت چراغ آتشین پیش تخت افروخته که هفت روح خدا می‌باشند.

۶ و در پیش تخت، دریایی از شیشه مانند بلور و در میان تخت و گرداگرد تخت چهار حیوان که از پیش و پس به چشمان پر هستند.

۷ و حیوان اول مانند شیر بود؛ و حیوان دوم مانند گوساله؛ و حیوان سوم صورتی مانند انسان داشت؛ و حیوان چهارم مانند عقاب پرنده.

۸ و آن چهار حیوان که هر یکی از آنها شش بال دارد، گرداگرد و درون به چشمان پر هستند و شبانه‌روز باز نمی‌ایستند از گفتن قدّوس قدّوس قدّوس، خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می‌آید.

۹ و چون آن حیوانات جلال و تکریم و سپاس به آن تخت‌نشین که تا ابدالآباد زنده است می‌خوانند،

۱۰ آنگاه آن بیست و چهارپیر می‌افتند در حضور آن تختنشین و او را که تا ابدالآباد زنده است عبادت می‌کنند و تاجهای خود را پیش تخت انداخته، می‌گویند،

۱۱ ای خداوند، مستحقّی که جلال و اکرام و قوت را بیابی، زیرا که تو همه موجودات را آفریده‌ای و محض اراده تو بودند و آفریده شدند.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

شما می‌توانید قسمت بندی کتاب مکاشفه را در **۱۹:۱** پیدا کنید. خود روح القدس این کتاب را برای ما قسمت بندی کرده است.

سه قسمت:

اول: فصل ۱، "چیزهایی را که دیدی،" اشاره به زمان گذشته، فصل ۱، ملاقات بامسیح جلال یافته در جزیره پطمس

دوم: فصلهای ۲، ۳، "چیزهایی که هستند"، اشاره به زمان حال، عصر کلیسا

سوم: فصلهای ۴-۲۲، "چیزهایی که بعد از این خواهند شد"، اشاره به زمان آینده، وقایع ایام آخر

ما الآن وارد قسمت سوم کتاب مکاشفه می شویم.

هیچ اشاره ای به کلیسا در فصلهای ۴-۲۲ نمی شود. چرا؟ چون کلیسای مسیح پیش از شروع دوران ۷ ساله مصیبت به آسمان به یک بعد دیگر هستی، بحضور خداوند عیسی مسیح به بالا برده می شود. در فصلهای ۱-۳، ۱۹ بار به کلیسا اشاره می شود. در فصلهای ۴-۲۲ یکبار هم نمی شود.

در این دو فصل ۴ و ۵، تمرکز بر روی عرش و تخت خدا در آسمان است. علی رغم تمامی چیزهای که در راه هستند، علی رغم برخاستن آن مرد شریر، ضد مسیح از خاورمیانه، خدای ما، پدر و پسر و روح القدس سلطنت می کنند. همه چیز زیر کنترل اوست. خدا عامل بدی نیست ولی بر جهان، بر کل و جزش حاکمیت مطلق دارد. نقشه اش به پیش می رود.

کاربردش برای ما چیست؟

بنابراین در طوفانهای زندگیتان بر خداوند حاکم، غیر قابل تغییر و همیشه قابل اعتمادمان، عیسی مسیح اتکا کنید. او علی رغم همه طوفانها بر جهان و بر زندگی شما حاکمیت مطلق دارد. **عبرانیان ۱۳: ۸**

"عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالابد همان است."

همه چیز در فصل ۴ بدور محور تخت خدا می گردد. این حاکمیت مطلق خدا را می رساند.

بر تخت، پدر آسمانی نشسته، در دست راستش، عیسی مسیح، و در مقابل تخت، روح القدس

در فصلهای ۴ و ۵، پرستش آسمانی را می بینیم، که پیش درآمده هستند برای رویدادهای آینده (فصلهای ۶-۲۲)، ۷ سال دوران مصیب، سپس بازگشت مسیح و سلطنت هزار ساله مسیح، و دوران ابدیت.

آیه ۱: **"دیدم که ناگاه دروازه ای در آسمان باز شده است"** اجازه ورود به یوحنا به بعد دیگر هستی داده شد.

به عرش خدا می رود

به زندگی از دیدگاه عرش خدا نگاه کنید. از دیدگاه حاکمیت خداوندان عیسی مسیح.

آیه ۱ قسمت دوم آیه: "و آن آواز اوّل را که شنیده بودم که چون کرّنا با من سخن می‌گفت، دیگر باره می‌گوید، به اینجا صعود نما تا اموری را که بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم."

این ندای خداوند زنده و جلال یافته، عیسی مسیح است.

چرا می‌گوید: "چون کرّنا با من سخن می‌گفت؟" قدرت و تسلط ندای خداوند عیسی مسیح را می‌خواهد برساند. علی رغم تمامی سر و صدای های این دنیا صدای آن شبان نیکو خداوند ما عیسی مسیح با اقتدار و فراسوی تمامی سر و صداها ی این دنیا است.

تخت خدا

مکاشفه ۴: ۲ ب الی ۳ الف:

"دیدم که تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده‌ای.

۳ و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و قوس قزحی در گرد تخت که به منظر شباهت به زمرّد دارد."

این تخت خدای پدر است و حالتی او که دارد، آماده برای ریخته شدن داوری و غضب اش بر جهان است. این تخت فیض نیست. تخت داوری و غضب خداست بر جهانی که پسر یگانه او را رد کرده و به گناهان خود ادامه می‌دهد و می‌خواهد بدنبال دجال برود.

۴۵ بار در کتاب مکاشفه به تخت خدا اشاره می‌شود، ۱۴ بار فقط در همین فصل ۴.

کسی بر تخت نشسته و بر تمامی رویدادهای این جهان تسلط و کنترل دارد. این تخت همچنین تمرکز ما را می‌برد بر روی جلال تخت خدا، و جلال کسی که بر آن نشسته است. و او پدر آسمانی است.

یوحنا شگفت زده است از آن عظمت و زیبایی تخت خدا که می‌بیند. این تخت سمبلی است از سلطنت خدای پدر بر جهان.

این تخت خدای پدر در قسمت معبد آسمانی در عرش خدا قرار گرفته است. و کلام می‌گوید که آن تخت "قائم است" استوار ایستاده است.

اهمیت و کاربرد همین یک عبارت کوتاه، در آن زمینه رویدادهای مکاشفه ۶-۲۲ چیست؟ برای ما چیست؟ عبرانیان ۱۳: ۸ "عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالابد همان است."

علی رغم تمامی حوادث این دنیا، سلطنت و اقتدار خداوند ما عیسی مسیح بر جهان استوار است.

شباهت این صحنه در مکاشفه ۴، و کاربرد آن با تجربه اشعیا نبی، در اشعیا ۶: ۱-۵، ۸۵۰ سال پیش از میلاد مسیح:

"در سالی که عزّیا پادشاه مرد (اوضاع بهم ریخته)، خداوند را دیدم که بر کرسی بلند و عالی نشسته بود (استوار)، و هیکل از دامنهای وی پر بود.

۲ و سرافین بالای آن ایستاده بودند که هر یک از آنها شش بال داشت، و با دو از آنها روی خود را می پوشانید و با دو پایهای خود را می پوشانید و با دو پرواز می نمود.

۳ و یکی دیگری را صدا زده، می گفت: «قدّوس قدّوس قدّوس یهوه صبايوت، تمامی زمین از جلال او مملوّ است.»

۴ و اساس آستانه از آواز او که صدا می زد می لرزید و خانه از دود پر شد.

۵ پس گفتیم: «وای بر من که هلاک شده ام زیرا که مرد ناپاک لب هستم و در میان قوم ناپاک لب ساکنم و چشمانم یهوه صبايوت پادشاه را دیده است.»

بعد از ۹۰۰ سال، مابین اشعیا ۶ و مکاشفه، هنوز هم می بینیم در مکاشفه ۴ و ۵، که فرشتگان خدا مشغول ستایش او هستند و خسته نشده اند.

اشعیا خداوند عیسی مسیح را دید. یوحنا ۱۲: ۴۱ این را به ما می گوید:

۴۱ این کلام را اشعیا گفت وقتی که جلال او را (مسیح را) دید و درباره او تکلم کرد.

فرشتگان قدوسیت خدای ما را اعلام می کنند.

هنوز هم ما مردمان ناپاکی هستیم که نیاز به پاکی مسیح داریم.

آن کس که بر تخت نشسته است

۳ و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و قوس قزحی در گرد تخت که به منظر شباهت به زمرّد دارد."

"و بر آن تخت نشینده ای"

او چه کسی است؟ خدای پدر، مزمور ۴۷: ۸،

"خدا بر امت‌ها سلطنت می‌کند. خدا بر تخت قدس خود نشسته است."

واکنش اشعیا چه بود؟ واکنش صحیح کسانی که حقیقتاً در مقابل حضور خدا قرار گرفته اند چه بوده است؟
اشعیا ۶: ۵،

پس گفتم: «وای بر من که هلاک شده‌ام زیرا که مرد ناپاک لب هستم و در میان قوم ناپاک لب ساکنم و چشمانم یهوه صباوت پادشاه را دیده است.»

و یا حزقیال ۱: ۲۸، در حضور خداوند، چون آن را دیدم، به روی خود در افتادم!

واکنش درست، توبه از گناهان، شکستگی، فروتنی، پاکی است.
آن کس که بر تخت نشسته،

"در صورت مانند سنگ یشم، عقیق" است.

یوحنا خدای پدر را می‌بیند، چون روح القدس او را به عرش خدا برده بود. و به او این اجازه و قوت داده می‌شود که خدای پدر را ببیند، زیرا **خروج ۳۳: ۲۰** می‌فرماید: **انسان نمی‌تواند روی خدا را ببیند و زنده ماند.** و آنچه یوحنا می‌بیند و می‌نویسد **فقط بوسیله تشبیهات** است که سعی می‌کند چهره خدای پدر را برای ما توصیف کند. چون کلمات نمی‌توانند عظمت و جلال و زیبایی حضور خدا را توصیف کنند. یوحنا حضور خدا را تشبیه می‌کند به زیبایی و جلال یک سری جواهرات گرانبها.

اهمیت این سنگها یا جواهرات چیستند؟

سنگ یشم = Jasper

سنگ عقیق = Sardius

سه جنبه اهمیت آن سنگها:

جنبه اول:

مکاشفه ۲۱: ۱۱، **"یشم بلورین"** < الماس، که نور جلال خدا را از خود منعکس می‌کند.

سنگ عقیق، معادن بزرگ در شهر سارد، قرمز رنگ، انعکاس جلال خدا،

و نیز **نشانه غضب خدا** که بزودی بر جهان ریخته می‌شود، مکاشفه ۶- ۱۹

بنابراین یک جنبه معنی و اهمیت این سنگها این است که زیبایی جلال خدا را می‌رسانند.

غرق جلال خدا شوید، مسائل زندگی تان در مقابل آن محو می‌گردد.